

=۳=

درد و شماره گذشته، پیرامون چگونگی فرمان نویسی در دوره صفویه و تشریفات آن، تا آنجا که اسناد و مدارک موجود اجازه میداد، به بحث پرداختیم. اگرچه در آغاز در نظر بود که این مقاله، بهمان دو بخش پایان پذیرد. اما به سبب اهمیت بسیاری که اسناد و مکاتبات تاریخی بطور کلی، و فرمانهای شاهی بویژه، در کار تاریخ نویسی و بررسی های تاریخی دارد، و با توجه به بسیاری این اسناد و کمی کوششی که در راه مطالعه آنها شده است، بخش کوتاه دیگری، به مقاله فرمان نویسی دوره صفویه میفزاییم.

در این مقاله دو فرمان تازه

فرمان نویسی

در دوره صفوی

از

محمد حسن سمسار

یکی از شاه عباس بزرگ و دیگری از شاه تهماسب دوم که تا بحال به چاپ نرسیده ، از نظر خوانندگان علاقمند به فرمانها و اسناد تاریخی میگذرد.^۱ بعلاوه بمعرفی چند مهر تازہ از پادشاهان صفوی میپردازیم و گفتگوی کوتاهی دربارهٔ چگونگی نشروخط فرمانها نیز خواهیم داشت .

خطوط متداول در نوشتن فرمانها غالباً اقلام نستعلیق، شکسته، شکسته نستعلیق و گاهی تعلیق بوده است . فرمانها، باخط نسبتاً خوش نوشته میشد . گاهی در میان آنها به فرمانهای بدخط نیز برمیخوریم . طرز تحریر منشیانه و پیوستن حروف و کلمات بیکدیگر و شکستن آنها از امور متداول در فرمان نویسی دورهٔ صفویه است .

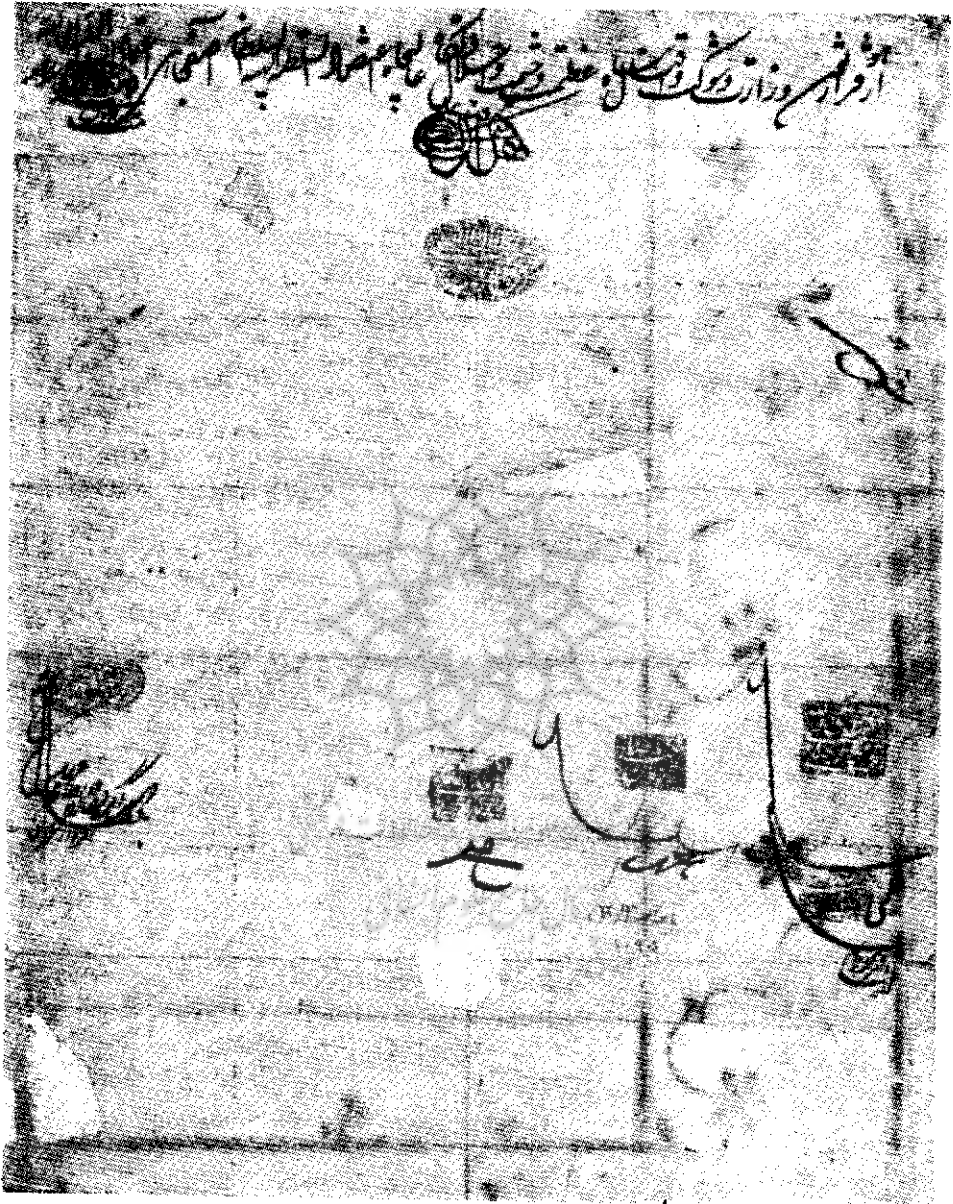
فرمانها با جملاتی چون (الحکم لله) ، (الملک لله) ، (هو) ، (هو الله) و جز آن آغاز میگردد .

در ارقام که مجلس نویس آنها می نوشت این کلمات به سیاهی (مرکب) ، و در احکام و پروانجه ها که توسط منشی الممالک تحریر میگردد با آب طلا نوشته میشد .

این قاعده در نوشتن نام پیامبر (ص) و ائمه (ع) نیز رعایت میگردد . کلمات شاهی، شاهانه و ترکیبات کلمهٔ شاه را سرخی می نوشتند . (بجز در ارقام که به سیاهی نوشته میشد).

نام خداوند در متن فرمان نوشته نمیشد . در موارد لازم نام خداوند را بالای فرمان می نوشتند . نمونهٔ این وضع را در فرمان شاه سلطان حسین مبنی بر اعطای کلانتری رشت (عکس شماره ۱- بخش اول این مقاله) مشاهده میکنیم . در جملهٔ نوعی بخدمت مزبور قیام نماید که حسن سلوک او عند (الخالق) والخالق مرضی و مستحسن بوده کلمهٔ الخالق در متن نیامده بلکه در بالای فرمان نوشته شده است .

۱ - این دو فرمان جزء مجموعه خطوط خوش باقیمانده الی مرحوم دکتر مهدی بیانی است که اخیراً بوسیلهٔ وزارت فرهنگ و هنر ، برای ایجاد موزهٔ خط خریداری گردیده است . از آنجا که یاد نیک خدمتگزاران به فرهنگ و تمدن ایران هر یک وظیفهٔ هر ایرانی است بدینوسیله الی او یاد میگردد . وانش شاد باد .



شماره ۱۶ : پشت فرمان ش ۱

الحمد لله

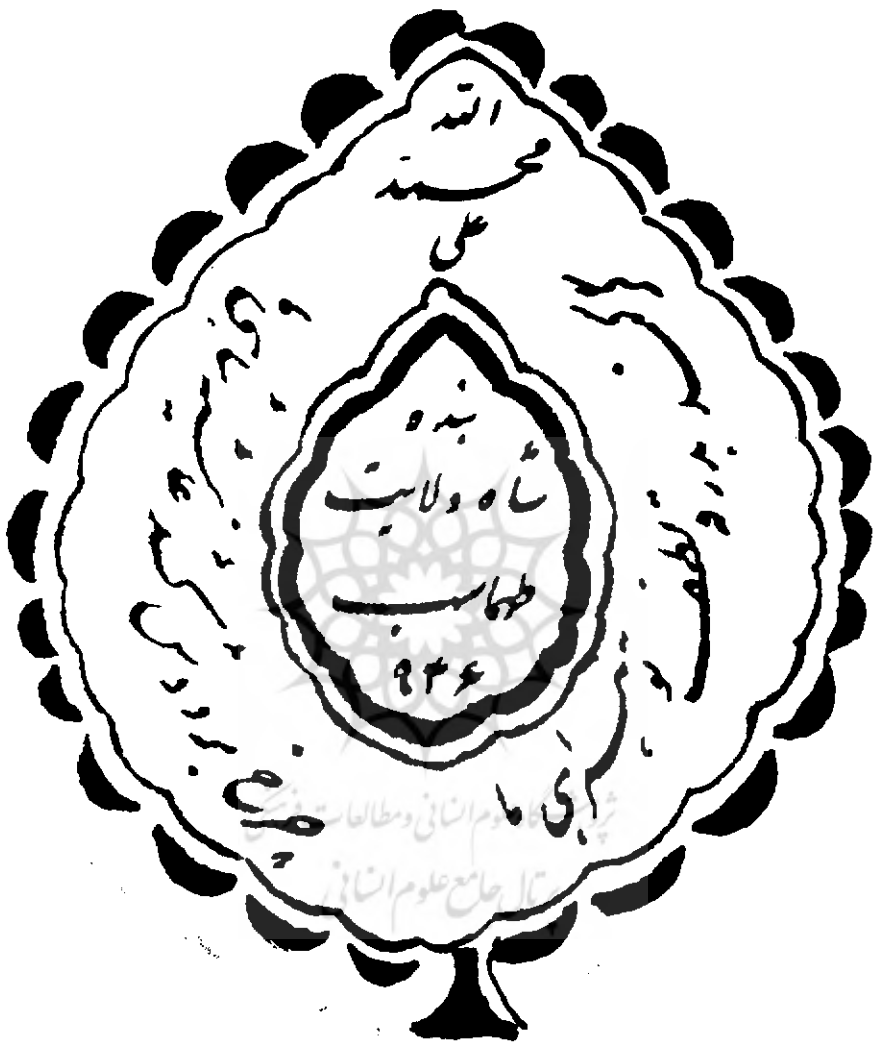
الملك الوهاب

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله الذي جعلنا من
الحيوان والنبات والجمادات
كل شئ من خلقه حيا

موترا حيا
موترا حيا
موترا حيا

موترا حيا
موترا حيا
موترا حيا

موترا حيا
موترا حيا
موترا حيا



ش ۱۸- طرحی از نقش مهرشاه تهماسب اول

درفرمان شاه عباس که در این شماره به چاپ رسیده (عکس شماره ۲۰) این وضع بخوبی مشاهده میگردد. کلمات نبوی و مصطفوی با آب طلا و کلمه شاهانه سرخی نوشته شده است. در اینجا بایستی به بحث مختصری نیز پیرامون انشاء و جمله بندی فرمانهای صفوی بپردازیم.

ادبیات بویژه نثر نویسی در دوره صفویه گرفتار انحطاط و تنزل شدید گردید. اگرچه این سقوط و زوال در حدود يك قرن پیش از روی کار آمدن سلسله صفوی آغاز گردیده بود، اما در این دوره شدت بیشتری یافت. نثر دوره صفوی نثری متکلف، پیچیده، پراز واژه های ناموزون مغولی و ترکی و عربی است.

آنچه مرحوم ملك الشمرای بهار پیرامون نثر دوره صفویه می نویسد گویاترین وصف در این مورد است.

« فارسی نویسی در این عصر دارای آب و تاب و آهنگ و اعتلای خیال و برجستگی الفاظ و ترکیبات قدیم نیست.

..... نثر صفویه مثل اینست که بچه گانه باشد، و الفاظ از حلیت و کسوتی که داشته اند عریان شده اند، افعال بواسطه حذف باء و تاکید در صیغه های ماضی و استعمال نشدن پیشاوندهائی از قبیل بر، اندر، در ... یکدست شده است. همچنین آمدن لغات مغولی بدقواره در هر سطر، و کثرت مترادفات و از یاد رفتن طرز جمله بندیهای موجز بشیوه قدیم، و ترك شدن بعضی کنایات و امثال و بسی نکات که درک همه مشکل است. نثر این دوره را از مغز و مزه انداخته است.

و بلند آهنگی و همینه نثر و نظم، به فروقنی معنوی وضع تألیف و سستی الفاظ بدل گردیده و از فخامت حقیقی که مختص زبان دری است افتاده،^۲

بطور کلی نثر فارسی در این دوره بسیار مشوش و پریشان است. شاید چنین پریشانی را در کمتر دوره ای بتوان مشاهده کرد. کار تکلف و تعارف به میزانی در نثر صفویه میرسد که اصل موضوع در نوشته ها گم میشود. و

در آنجا که سخن از کارهای پادشاه یا سایر بزرگان باشد بعنوان احترام سخن را متکلفانه ایراد میکنند.

این وضع کلی نثر نویسی در دوره صفویه است. نثر فرمانها نیز از این امر کلی جدا نبود.

هر جا که بهانه بدست نویسندگان میآمد عبارات متکلفانه و پیچیده و مسجع می آوردند، -- و همچنین در مناشیر و نامه های درباری تشبیه ها طوری دراز و انبوه گردید که سرایای نامه و منشور را فرو گرفت. ۳

در فرمانها عبارت پردازی و بکار بردن مدح و تعارف و تکلف بحدی است که اصل مطلب و دستور فرمان تحت الشعاع قرار میگردد.

سستی جمله ها و عبارات گاهی بدرجه بی سروتهی میرسد، و خواننده باید بقیاس و گمان مفهوم جمله را درک کند.

فرو افتادن سطح فرهنگ تا این درجه شکفتی است. آنهم در زمانی که هنر و صنعت بدرجه قابل ستایش ترقی کرده است. آنچنان که گاهی خوشی خط، زیبایی تذهیب، کنده گری شکفت آمیز مهر، طلا اندازی و جدول کشی و حاشیه سازی، فرمان را بیک مجموعه هنری تبدیل کرده و بیننده رادقیقه های بی دربی شیفته زیباییهای خود میکنند.

این بود بحث کوتاهی پیرامون نثر فرمانهای صفوی.

در اینجا به معرفی دو مهر تازه از مهرهای پادشاهان صفوی میپردازیم

۱- شاه تهماسب (۹۳۰-۹۹۸ هـ - ق)

مهر چهار گوش ساده بزرگ: الله، محمد، علی - بنده شاه ولایت طهماسب ۹۶۳

چون نامه جرم ما بهم پیچیدند

بیش از همه کس گناه ما بود ولی

۲ - شاه تهماسب دوم: (ش ۱۹)

مهر چهار گوش کوچک کلاهکدار: بسم الله بنده شاه ولایت طهماسب ۱۱۴۰

(ش ۲۰)



ش ۱۹- مهر شاه طهماسب اول از مجموعه آقای محب

و اینک متن دو فرمان تازه :

۱- فرمان شاه عباس بزرگ . مبنی بر اعطای منصب قاضی القضاتی کیلان بیه پیش به قاضی محمد (ش ۲۰)

این فرمان حدس مارا در باره آنکه طفرای حکم جهانمطاع شرف نفاذ یافت ، بر فرامینی که جنبه قضائی داشت نوشته میشد تأیید میکند (نگاه کنید بیخوش اول این مقاله - شماره ۶ سال دوم ص ۱۵۰)

حسبی الله

بندۀ شاه ولایت عباس ۹۹۹

جانب هر که با علی نه نکوست علوم انسانی و هر که گو باش من ندارم دوست

هر که چون خاک نیست بردار و کمر فرشته است خاک بر سراو

فرمان همایون شرف نفاذ یافت ۴

آنکه چون بموجب حکم جهانمطاع آفتاب ارتفاع و امثله دیوان الصدارة العلیة العالیة اقصی القضاتی کیلان بیه پیش^۵ عموماً و قضا و تصدی شرعیات لاهیجان و دیلمان و خرکام و باشجا و آشنیان کماجال^۶ و حسن کیاده و پیش


۴- سرفرمان پسرخی نوشته شده است .

۵- کیلان در زمان سفویه بدوناحیه بیه پیش و بیه پس تقسیم میشده است . کیلان بیه پیش شامل قسمت شرقی سفید رود و مرکز آن لاهیجان بود . کیلان بیه پس به بخش غربی سفید رود گفته میشد و مرکز آن رشت بود .

۶- خرکام ، باشجا ، و کماجال سه ده ادهات اطراف لاهیجان است ، که نام آنها مختصر تغییر یافته است .



ش ۲۰- فرمان شاه عباس بزرگ ۱۰۳۴ - اداره کل موزه ها

 The document contains handwritten Persian text in Shikasta script, written on a grid background. The text is organized into approximately 12 horizontal lines, with a large seal at the top center. The handwriting is dense and cursive. The text appears to be a formal decree or administrative order.

شامل حال شریعت پناه مشارالیه فرموده مجدداً مناصب و مهمات مذکور را بلامشارکت غیر بدستور شفقت و عنایت فرمودیم که من حسب الانفراد والاستقلال بامور مذکور و لوازم آن قیام و اقدام نموده مساعی جمیله بظهور رساند سادات عظام و ارباب و اهالی و اصحاب و رعایا و سکنه لاهیجان و دیلمان و محال مذکور و توابع امور مزبور را بدستوری که قبل از این بشریعت پناه مشارالیه مفوض و مرجوع بود بهمانند ستور بمومی الیه متعلق شناخته اوامر و نواحی مشروعه او را مطیع و منقاد باشند و لوازم امور مذکور را بدو متعلق دانسته احدی را بدو شریک و سهم ندانند و چون در حکم اشرف و امثله مذکور مرقوم گشته که متقاضیان و قضاة جزو خود را بمنزل او معزول و بنصب او منصوب دانسته .

اگر حکم و مثالی در این بابت گذرانیده باشند بدان مستند نگردند و چون تنقیح مراجعات شرعیه باو متعلق است احدی دخل نموده و مخصوص او دانند . متقاضیان و قضات جزو خود را بمنزل او معزول و بنصب او منصوب شناخته موافق حکم و امثله مذکور عمل نمایند وزیر و حاکم و کلانتر و عمال محال مذکور دست تصدی و شرعی شریعت و افادت پناه مشارالیه را در امور مذکور قوی دانسته اعزاز و احترام و تقویت و تمشیت او بجای آورده احدی را مدخل در امور مذکور ندهند و امداد و اعانت شرعی لازم دانسته و از جوانب برینجمله روند و هر ساله حکم مجدد طلب ندارند و چون پرو آنچه به بمهر اشرف رسد اعتماد نمایند . تحریراً فی - ذی حجة الحرام سنه - ۱۰۳۴
۲- فرمان شاه تهماسب دوم (ش ۲۱)

بسم الله

بنده شاه ولایت تهماسب ۱۱۴۰

حکم جهانمطاع شد

آنکه ایالت و شوکت پناه حشمت و جلالت دستگاه عالیجاه نظاما الایالة و شوکة و الحکمة و جلالة و الاقبال محمد قلیخان سعدلو بالطاف بیقیاس خسروانه سرافراز گشته ، بداند که درینوقت رفعت و معالی و عزت و عوالی



مستخرج
کتابخانه آستان قدس

بسم الله الرحمن الرحیم
کتابخانه آستان قدس

کتابخانه آستان قدس
کتابخانه آستان قدس

کتابخانه آستان قدس
کتابخانه آستان قدس

کتابخانه آستان قدس
کتابخانه آستان قدس

کتابخانه آستان قدس
کتابخانه آستان قدس

کتابخانه آستان قدس
کتابخانه آستان قدس

نمازی مسجد جامع لاهیجان و شرعی و بعضی واقع در آنجا بشریعت و فضیلت پناه افادت و افاضت دستگاہ افضی القضائی شمسا للرفعة والافادة قاضی محمد متعلق و مرجوع است و در این ولایت مشارالیه بدرگاہ جهان پناه آمده التماس حکم تأکید در این بابت نموده بنا بر توجه خاطر عاطر شرع آرا و تعلق خاطر ضمیر (منور) محور شید ضیاء باعلای اعلام شریعت غرانبوی^۷ و ارتفاع ملت زهرا مصطفوی^۸ شفقت و مرحمت شاهانه^۹ دستگاہ نظاما للرفعة والمعالی محمد علی بیگ برادر آنعالیجاء بدرگاہ جهان پناه آمده حقیقت اخلاص و صوفیگری او چنانچه باید بر پیشگاه خاطر فیض مظاهر جلوه ظهور و بروز نموده بمالیجاء عمدة الامراء العظام و کیل الدولة والعلیة والعالیه قورچی باشی مقرر فرمودیم که بآن ایالت و شوکت پناه قلمی نماید که از چه قرار بعمل آورد و میباید که بنحوی که عمدة الامراء العظام مزبور قلمی نموده آن ایالت و شوکت پناه از آن قرار معمول داشته بتوجهات خسروانه مستظهر و ... و امیدوار بوده باشد .

تحریراً فی - جمادی الثانی سنه ۱۱۴۲

در پایان ضمن پوزش از اینکه عکسهای بخش دوم مقاله بدون شماره و رعایت ترتیب به چاپ رسیده است ، شماره و ترتیب عکسها برای اصلاح بشرح زیر به اطلاع میرسد :

ش ۱۰ نقش مهرهای شاه سلیمان (از اطلس شاردن)

ش ۱۱ نقش مهرهای پادشاهان صفوی (از شماره ۱ تا ۱۳)

ش ۱۲ - نقش مهرهای پادشاهان صفوی (از شماره ۱۴ تا ۲۰)

ش ۱۳ - نقش مهرهای پادشاهان صفوی (از شماره ۲۱ تا ۲۵)

ش ۱۴ - نقش مهرهای پادشاهان صفوی

ش ۱۵ - فرمان شاه عباس بزرگ - موزه هنرهای تزئینی

شماره های ۱۶ - ۱۷ - ۱۸ نیز که در متن آمده در این شماره بچاپ

رسیده است .

۷ و ۸ - کلمه نبوی و مصطفوی با آب طلا نوشته شده است .

۹ - کلمه شاهانه برخی نوشته شده است .

اشتباهات چاپی زیر را در بخش دوم (فرمان نویسی در دوره صفویه شماره ۱ سال سوم) اصلاح فرمائید .

صفحه	سطر	نا درست	درست
۶۲	۱۰	جعبه های	جعبه
۶۴	۱۳	ف امدارک تاریخی	ف امدارک تاریخی ش ۱۸
۷۴	۲۲	از کیسه مختوم	در کیسه مختوم
۷۵	۱۷	دفتر مرکزی و سازمان	دفتر مرکزی سازمان
۸۱	۱۶	-	سی
۸۳	۱۹	ننمای	نمائید
۸۳	۲۱	نمائنی	نمائید
عکس چهارم		نقش مهر هام انسانی	فرمان شاه عباس بزرگ